

اخبار جنبش اسلامی

شماره ۸ - پنجشنبه ۳۰ آذر

قسمتی از پیام ۱۱ محرم امام خمینی.

«... چون وسایل ارتباط جمعی در حال اعتصاب به سر می‌برند، باید به هر وسیله ممکن رابطه بین شهرستان‌ها برقرار نموده، مسایل روز و تظاهرات و اخبار مبارزاتی خود را به یکدیگر برسانید ...»

پیامی از متفکر شهید: شریعتی

«آنان که رفتند کاری حسنی کردند.

آنها که ماندند باید کاری زینبی کنند.

وگرنه یزیدی‌اند.»

و بخشی از کار زینبی که در این شرایط یزیدی میتوان کرد، ابلاغ پیام یاران حسین است و نمایش حماسه‌هایی که همه روزه در گوشه کنار مملکت اتفاق می‌افتد. و علیرغم شکستن قلمها، بریدن زبانها، کشتن و سوزاندن انسانها، فریاد حق طلبی بر کشیدن و وظیفه امر بمعروف و نهی از منکر انجام دادن.

جنایتکاران میخواهند جنایاتشان در سر پوش بی خبری و سکوت انجام شود و ما باید با تمام امکانات در فاش کردن آن تلاش کنیم.

ما باید ثابت کنیم که ملت میتواند خود کفا باشد و نیازی به رنگین نامه‌های دولتی ندارد، ما منتظر نیستیم آنها واقعیات جامعه ما را آنطور که صلاح خودشان میدانند و نه آنطور که هست، برای ما منتشر سازند.

ما باید ثابت کنیم که شایستگی ثبت و ضبط حماسه‌های قهرمانان خود را داریم و بر آنیم مقدمات تدوین و نگارش تاریخ واقعی مردم خود را فراهم سازیم.

ما باید با تصور قهرمانان شهید خود و شرح مجاهدات آنها، الگوهایی برای کودکان خود و برای نسلهای آینده بسازیم تا آزادی و استقلالی را که پدران آنها در ازایش خون‌ها دادند ارج نهند و در حفظش بکوشند.
در این راه باید:

۱- خواهران و برادران صاحب قلم، از شعرا و نویسندگان تا ارباب جراید و کارکنان فنی مطبوعات و چاپخانه‌ها، امکانات و تجربیات خود را در اختیار جنبش قرار دهند و مستقلاً نشریه‌ای هر چند محدود منتشر نمایند.

۲- هموطنان شهرستانی در منطقه و استان خود، نشریه خبری و تحلیلی جداگانه‌ای داشته باشند. همانطور که با کمال مسرت بتازگی نشریه خبری «اخبار جنبش خراسان» «پیام اصفهان» و «پیام قم» و... منتشر میشود. این نشریات میتوانند دقیقاً واقعیات و اخبار منطقه خود را برای ثبت رد تاریخ منعکس سازند.

۳- در تهران گرچه نشریه‌های خبری جبهه ملی و نشریه خبری مشترک (سازمان ملی دانشگاهیان - کانون نویسندگان - کمیته دفاع از حقوق زندانیان سیاسی) و... منتشر میشود، اما این تعداد هرگز نمیتواند خلاء غیبت مطبوعات را پر کند. بسیار ضروری است محله‌های مختلف شهر برای خود نشریات دیواری در مساجد - ایستگاههای اتوبوس - مدارس و کوچه و بازارها داشته باشند و باینوسیله ذوق و استعداد خود را در اختیار جنبش قرار دهند.

باشد که در سایه دستهای بهم فشرده و مشت‌های گره کرده، و عده خدا بر پیروزی مستضعفین و سرنگونی فرعونها تحقق یابد.

هموطنان مبارز

کارکنان صنعت نفت جهت رفاه حال هم میهنان عزیز مصرف داخلی را به اندازه کافی تامین می‌کنند ولی دولت ژنرال‌ها برای زیر فشار قرار دادن، اقدام به احتکار مواد سوختی نموده، تا بدینوسیله به نفع خود تبلیغ کنند و کارکنان را با مردم رو در رو قرار دهد و تضادی که میان رژیم و مردم وجود دارد به تشمت و دو دستیگی میان هموطنان مبارز مبدل سازد. نقل از خبر نامه شماره ۸ مورخ ۵۷/۹/۲۲ کارکنان افتخار آخرین صنعت نفت جنوب.

ما بخواست خدا بزودی نشریه ویژه ای راجع به اعتصابات این بخش حیاتی میهنمان منتشر خواهیم کرد.

کشتاردن: شهرستانها

چنگیز، آسوده بخواب که استادت بیدار است.

استادت بیدار است و بیداد میکند.

بیدار است و به وعده وحشت بزرگش جامه عمل میپوشاند.

بیدار است و نوجوانان حسین را به سینه بهشت زهراها و بهشت معصومه ها و بهشت رضاها روانه میسازد.

چنگیز، آیا تو هرگز میتوانی جنایاتی ادعا کنی که استادت نکرده باشد؟

آیا تو هم در همدان به دختران مدارس تجاوز میکردی و یا در مشهد مقدس با جوانان مسلمان عمل منافی انجام میدادی؟ آیا تو هم در کرمان و یزد... مساجد و مدارس و کتابخانه و قرآن را به آتش میکشیدی و بر ویرانه های آن مستانه میرقصیدی؟

آیا تو هم بر بدنام کردن مخالفان صدها زن و مرد و کودک آنها را زنده زنده در آبادان میسوزاندی؟

آیا توهم در مشهد و... بدکتراییکه نمیخواستند بیمه سربازان تو را قبول کنند با چماق حمله میکردی و سرم را از دست مجرمین میکشیدی و حتی بکودکان شیرخوار رحم نکرده به مسلسل می بستی؟

آیا تو هم در اصفهان و اراک و خوانسار و... مردمی را که نمیخواستند عکس منحوس را بمغازه یا ماشینشان بزنند حمله میکردی و آنها را میزدی و میکشتی و مجبور میکردی برای جاوید کردنت شعار بدهند؟

آیا تو هم در کاشان و تبریز و قم و... به خانه ها و بازار و یا مانند بوشهر روحانی شهر را به بیرون از خانه خوانده و مقابل چشم زن و فرزند به گلوله می بستی؟

آیا تو هم در اصفهان و کاشان و... از بمب‌های خوشه ای استفاده میکردی؟ همان بمب‌هاییکه اسراییل غاصب از بکار بردنش در مقابل اعراب بدلیل مخالفت افکار عمومی جهانیان و سازمان ملل خودداری کرد، همان بمب‌هاییکه مانند نارنجک عمل کرده و نرسیده بزمین بالای سر تظاهر کنندگان منفجر میشود.

آیا تو هم به مردمی که از خفقان روز، شبانه به پشت بامها پناه برده و با خدای خویش مناجات «لا اله الا الله» و «الله اکبر» میکردند، در شیراز و... حمله میکردی و صدها نفر از آنان را به این جرم بمسلسل می بستی؟

آیا تو هم گرگان در لباس میش و روستاییان را میفریفتی و می خریدی و بجان مرد و زن و کودک شهری می انداختی؟ آیا تو هم... ..

چنگیز، تعجب نکن. استادت فرزند خلف شیطان است.

اما تو ای هموطن مبارز و مسلمان

در این خونین ترین محرم تاریخ ما، در این نیمه ای که از آن گذرانده ایم، رژیم جلاد و جنایتکار در ابعاد گسترده تری دستش را به خون مردم ما آغشته کرده است.

اگر در تهران بخاطر حضور مخبرین و اتباع خارجی کوشش میکند به جنایتش سرپوش قانونی بگذارد، در شهرستانها در سایه اختناق پلیسی و اشغال مطبوعات و رادیو و تلویزیون و... با خیال راحت تری عمل میکند. اخباریکه از شهرستانها میرسد آنچنان نگران کننده است که زندگی را زهر میکند.

در چنین شرایطی بگفته سرور شهیدان عالم:

..... فلیر غب المؤمن بقاء ربه محقاً

فانی لا اری الموت الاحیاء

و لا الحیوه مع الظالمین الا برماً

اراک (حدود ۵۰ کشته ۱۰۰ مجروح)

هفتم محرم - مجالسی که از اول ماه محرم در مسجد «محمد ابراهیم» بر پا میشد در شب هفتم هنگامیکه مردم با آرامش کامل رهسپار خانه های خود بودند و تعداد کمی نیز هنوز در مسجد به نماز اشتغال داشتند پلیس حمله میکند و جمع زیادی را زخمی مینماید.

دهم محرم - امروز راهپیمایی وسیعی با شرکت ۱۰۰ هزار نفر انجام میشود و در ساعت ۴ بعد از ظهر با برگزاری نماز جماعت در میدان امام خمینی پایان میرسد. در ساعت ۶ بعد از ظهر در میدان باغ ملی تعدادی اجتماع کرده و اقدام به پایین آوردن مجسمه مینمایند. اینکار مقدمه و بهانه ای برای پلیس میگردد تا بطور گسترده ای در سطح شهر وارد عمل شده و تیراندازی نماید. در عملیات میدان و سایر نقاط شهر مجموعاً ۴۰ نفر کشته و بیش از ۶۰ نفر مجروح میشوند.

یازدهم محرم - امروز روز همایش و قدرت نمایی پلیس و ارتش بود. آنها سوار بر زره پوشها در خیابانها رژه میرفتند. * پیرمردی بنام دارابی امروز مورد اصابت گلوله قرار میگیرد.

دوازدهم محرم - امروز بیش از ۲۰۰۰ نفر جاهل و خود فروخته از دهات (سنعان - هزاوه - مرزگران - ایجان حاوسیان)، با بیل و چماق بشهر حمله میکنند و خانه ها و مغازه ها را آتش میزنند و غارت میکنند و مردم را مجبور بسوار شدن در تریلی ها و گفتن «جاوید شاه» میکنند.

در این حمله که تحت حمایت پلیس بود تعدادی کشته و مجروح میشوند.

گروهی دیگر از اوباش با حمایت کامل پلیس و بدستور استوار رضا ابوالحسنی و سروان محبی رؤسای پاسگاه و ژاندارمری اراک به سه ده حمله نموده و به ضرب و جرح و غارت مغازه ها و خانه ها میپردازند، مردم بناچار بدفاع برمیخیزند که در نتیجه یک نفر از مهاجمین کشته و دیگری دستگیر میگردد، در تحقیقاتی که مردم از این شخص بعمل میآوردند وی اقرار می نماید که فقط در مقابل دریافت صد تومان حاضر باین کار گشته است.

هنگام شب مأمورین ژاندارمری، ده را محاصره کرده و شخص دستگیر شده را میربایند.

* پنجشنبه سیزدهم محرم - تمامی مغازه ها و ماشینهایی که عکس شاه را نصب نکرده باشند مورد هجوم افراد پلیس و ارتش و چماق بدستان قرار میگیرند، در این روز سیزده جوان دوچرخه سوار و یک مسافر تاکسی که باین شرایط اعتراض نموده بودند بدست چماق بدستان و یک استوار بشهادت میرسند، تعداد مجرمین که در بین آنان نام آقای میرجعفری یکی از روحانیون شهر نیز بچشم میخورد از مرز پانصد نفر گذشته است.

* گفته میشود این حوادث بوسیله استاندار و بهادری نماینده مردم اراک در مجلس شورای ملی! با کمک شهربانی، ژاندارمری و ساواک تدارک دیده شده است در ضمن طبق اطلاع رسیده بهر کدام از کدخداهای دهات که در تظاهرات شاهانه شرکت کردند مبلغی در حدود صد هزار تومان از بیت المال مردم هدیه داده اند.

شیراز چهارشنبه ۲۲ آذر (۲۳ کشته)

چهارشنبه بیست و دوم آذر - شب هنگام حدود ساعت ۸، مردم از مساجد که در منطقه کلیه سعدی قرار دارد بیرون آمده در حالیکه بقیه از بالای پشت بامها آنان را بانداي تکبیر همراهی می نمودند، تظاهرات میپردازند. در این هنگام ارتش بوسیله نورافکن محل جمعیت را روشن نموده و یک استوار بروی مردم تیر اندازی می نماید که در نتیجه ۲۳ نفر کشته میشوند. یک سرباز شجاع - استوار قاتل را بسزای عملش میرساند که فردای آنشب اعدام میگردد.

• گفته میشود قبل از جریان فوق دولت به برنامه ای حساب شده! برای بمقابله کشاندن بهایی ها با مردم، منازل عده ای از آنان را و گویا منزل استوار قاتل را که بهایی بوده، با آتش میکشد ولی بهایی ها باین توطیه کثیف پی میبرند، در عین حال آیت الله محلاتی و سایر علمای شهر در همان زمان اعلامیه ای منتشر کرده و در ضمن محکوم نمودن آتش زدن خانه ها، موضع اسلام را در برابر اقلیت ها و فرقه های مذهبی متذکر میشوند.

• روز جمعه ۲۴ آذر مردم برای تشییع جنازه بیست و سه شهید چهارشنبه شب که در اختیارشان بوده، در معیت آیت الله محلاتی و سایر علماء از بیمارستان سعدی حرکت خویش را آغاز مینمایند. در چهار راه زند پلیس بطرف مردم آتش میگشاید که در نتیجه هشت نفر زخمی میشوند ولی مردم قاطعانه بحرکت خود تا قبرستان ادامه میدهند.

• در ضمن خبر میرسد که علماء شیراز خواسته اند برای جلوگیری از سوء استفاده رژیم سفاک، مردم تنها در تظاهراتی که بدعوت روحانیون انجام میشود شرکت نمایند.

زابل

در روزهای اخیر چماق داران شاهنشاهی بمسجد «حکیم» حمله کرده و طلبه ها را بباد کتک میگیرند، در ضمن در سطح شهر نیز بمردم حملاتی شده است، در این جریانات عده زیادی زخمی شده اند.

کرمان

روز چهارشنبه ۹/۲۲، ۸ کامیون کمپرسی و تعدادی وانت بار و موتور سوار از صبح زود در خارج شهر اجتماع میکنند سپس با حمایت پلیس و چماق بدست وارد شهر میشوند و شعارهای جاوید شاه میدهند و بخرد کردن مغازه هاییکه عکس آقای خمینی را نصب کرده بودند می پردازند. سپس به فاطمیه و دیگر مساجد حمله میکنند و در و پنجره های آنها می شکنند. در این هنگام مردمیکه در مسجد «امام خمینی» مشغول استماع سخنرانی بودند با خبر شده و با سنگ و چوب باستقبال چماق بدستان می روند و آنها را تا دهاتشان فرار می دهند. در تیراندازی که پلیس برای حمایت مهاجمین میکند یک نفر از مردم زخمی میشود از مهاجمین تعدادی زخمی به بقیه فراری میشوند.

دنباله مشهد

• آقای منفرد، یکی از مجروحین بیمارستان شاهرضا در میگذرد و همچنین طفل ۹ ماهه ای که صدمه دیده بود فوت میکند.

• روز یکشنبه ۹/۲۶ هنگامیکه آقای موحد (امام جماعت) برای برگزاری نماز عازم مسجد بودند، توسط یکی از مامورین شهربانی بنام «استوار حقیقی» هدف گلوله قرار میگیرد و از ناحیه شکم بسختی مجروح میشود. استوار مزبور توسط یک پاسبان آزاده به کیفر خود میرسد.

نجف آباد (حدود یکصد کشته)

دستهای پلیس و جنایتکار مأمورین رژیم «تمدن بزرگ» اینبار در نجف آباد از آستین دهاتی به استضعاف کشیده و نا آگاهی بیرون آمد که در اثر سالیان دراز فقر و جهل، فقط با ۱۰۰ تومان خریده شده بود.

برنامه چماق بدستان که سند درماندگی و در عین حال رویه صفتی ردیلانه رژیم است، در این شهر هم بمورد اجرا گذاشته شد با این تفاوت که در اینجا فریب بیش از پول کارگر افتاد.

این چنین:

چند شب قبل از واقعه، یکی از مزدوران تعلیم دیده رژیم، در لباس روحانیت، در یکی از دهات اطراف نجف آباد به منبر رفته تقبح رژیم و تایید امام خمینی، مزورانه به تحریف حکومت اسلامی می پردازد و اظهار میدارد «در خلافت عدل اسلامی که انشاءالله برهبری امام خمینی بوجود می آید، زمینهای غصبی شما را میگیرند و اصولاً شاید مصلحت باشد شما از سرزمین خود مهاجرت کنید و...»

فردای آنشب عده ای در لباس روستایی به ده ریخته و با تظاهرات ساختگی، بنام اعتراض را بحکومت اسلامی و... که زمینهای آنها را میخواهد بگیرد، میگذارند و با آمادگی ذهنی قبلی عده ای را فریفته، بدنبال خود بشهر میکشند. حاصل این هجوم که بهانه ای برای دخالت مأمورین میشود، بیش از یکصد کشته و تعداد بیشماری مجروح و شهری سوخته و غارت شده و بازاری متروک و مخروبه می باشد.

سردمدار و جمع کننده دهاتیان ساده لوح، شخص مزدوری بنام «میراب» بوده است که در ضمن جاهل و قلدرده میباشد. متعاقب این جریان گروهی از خبرنگاران خارجی و نماینده ای از دادگستری در معیت آقای احمد صدر حاج سید جوادی (عضو شورای مرکزی کمیته ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر)، برای تحقیقات محلی، به نجف آباد میروند که مورد ضرب و جرح مأمورین انتظامی و پلیس قرار میگیرد. یزد ۲۳ آذر (۹ نفر کشته)

امروز بمناسبت سوم سرور شهیدان حسین بن علی (ع)، مراسم عزاداری در شهر یزد برپا گردید. حرکت دستجمعی مردم از صبح از میدان میرچخماق شروع شد که مصادف با حمله نیروهای نظامی گردید و ۹ نفر کشته و تعداد زیادی زخمی شدند.

بعد از این جریان عده ای از مأمورین با لباس مبدل به مسجد حضیره که آقای صدوقی امام جماعت آن هستند حمله کرده، در و پنجره و شیشه های آنها می شکنند و صندوق قرض الحسنه را غارت میکنند. زنجان (۷ کشته)

بدنبال تظاهرات و راه پیمایی های مردم، اکنون مأمورین پلیس در جستجوی فعالین هستند و بمنازل آنها شبانه مراجعه میکند و با شلیک گلوله بحیات آنها خاتمه می دهند. تنها در هفته گذشته ۷ نفر را باینترتیب کشته اند. کاشان (بیش از ۱۰ شهید و ۱۰۰ مجروح)

روز تاسوعا، بیش از یکصد هزار زن و مرد راهپیمایی بزرگ خود را از مسجد «آقا بزرگ» (بزرگترین مسجد شهر) آغاز میکنند. این راهپیمایی بدون هیچ حادثه و با نظم کامل تا ساعت ۳/۵ بعد از ظهر ادامه پیدا میکند. اما شب هنگام، دو نفر بنامهای «مصطفی بنی هاشمی و رضا عارفی کامویی» در خیابان پامنار مورد اصابت گلوله مأمورین پلیس قرار میگیرند و شهید میشوند.

روز عاشورا، در راهپیمایی مجدد، مردم جنازه شهدا را تشییع میکنند و هنگام عبور از چهار راه پنجه شاه از خشم و نفرت بطرف مجسمه حمله میکنند و میخواهند آنها پایین بکشند که با تلاش فراوان یکی از روحانیون مسیر حرکت بطرف میدان کمال الملک تغییر میکند و بهانه از دست پلیس گرفته میشود. جنازه شهدا برای تدفین به زیارتگاه «حبیب ابن موسی» برده میشود و نیروهای پلیس که قبلاً در اطراف مجسمه مستقر شده بودند و دنبال بهانه می گشتند مأیوس نشده، خود را از طریق خیابان پهلوی، به فلکه شاه عباس می رسانند و در آنجا مردم را به گلوله میبندند و در نتیجه شخصی بنام «عباس افشار» کشته میشود و ۱۲ نفر بشدت مجروح میگردند سپس مأمورین برای موجه جلوه دادن عمل جنایتکارانه خود، ادارات فرمانداری - شهرداری و دادگستری را به آتش میکشند و به این بهانه هر جمعی را به مسلسل می بندند.

روز یازدهم محرم مردم برای مقتولین دیروز که شبانه بخاک سپرده شده بودند، مجلس فاتحه ای میگذارند که مجدداً پلیس حمله کرده و چند نفر دیگر را مجروح می سازد.

روز دوازدهم محرم تظاهرات از زیارتگاه «پنجه شاه» آغاز میشود و از آنجا به دروازه فین میروند. مأمورین انتظامی در آنجا نیز مردم را محاصره میکنند و در اثر تیراندازی ۹ نفر را مجروح میسازند. دنباله تظاهرات تا فلکه قاضی اسدالله ادامه پیدا میکند اما بخاطر محاصره کامل شهر توسط پلیس و سربازان، متفرق میشوند. در اینموقع هلیکوپترهای ارتش

برفراز آسمان شهر پرواز کرده، تظاهرات پراکنده کوچه های شهر را کنترل میکردند و کامیونهای ارتشی در تمام سطح شهر حرکت کرده، هر عابری را به گلوله می بستند. آنها حتی داخل منازل و داکاین شده و چنگیزوار می کشند. در یک دکان نانوايي «قاسم علایبان» نانوا را در حالیکه دستش در ظرف خمیر بوده با شلیک سه گلوله در سینه و پهلو و ران بقتل میرسانند و طلبه ای را به شهربانی برده در آنجا پس از شکنجه های فراوان میکشند و جند منزل و دو باب مغازه پارچه فروشی را به آتش می کشند و ۵ نفر از اهالی را بنامهای «احسان روحی - محمد یوسف پور - شاهزاده ابراهیمی - رحمت روحانی - علی شیر دل» را مقتول میسازند و ۳۶ نفر را بسختی مجروح می نمایند.

پنجشنبه ۱۴ محرم - ۲۴ آذر ماه

امروز از صبح نیروهای انتظامی در شهر حرکت کرده و تیراندازیهای پراکنده ای میکنند. از عصر حمله آنها شدت یافته و مانند روز قبل به منازل و داکاین آسیب می رسانند و در و پنجره ها و شیشه ها را میشکنند و حتی داروخانه ها را هم استثناء نمیکنند. رعب و وحشت شدیدی اهالی را فرا گرفته و هیچ جنبنده ای جرأت نمیکنند در خیابان حرکت کند. امروز ۱۵ نفر مجروح شده اند ولی نه دکترها جرأت میکنند از خانه خارج شوند و نه مردم میتوانند برای اهدای خون به بیمارستانها بروند مأمورین حتی آمبولانسها را در خیابان متوقف کرده و راننده و سرنشینان آنها بشدت کتک میزنند. نتیجتاً مجروحین با حتی مختصر جراحت و خون ریزی بزودی خدا را ملاقات میکنند.

قم

بیش از ۳۰۰ هزار نفر از طبقات مختلف این شهر در روز تاسوعا و عاشورا از جلوی میدان آستانه تا انتهای خیابان تهران راه پیمایی کردند و در حالیکه آیه الله منتظری و مدرسین شجاع حوزه علمیه در صف مقدم قرار داشتند، بسخنان آقای بشارت (کسیکه برادرش در روز عید قربان شهید شده بود) و آقای انصاری گوش فرا دادند سپس روحانی متعهد دیگری بنام «آقای شرعی» قطعنامه راه پیمایی را قرائت نمود.

روز جمعه ۹/۲۴ مردم کماندویی را که در کوچه حاج سید حسن با لباس شخصی حرکت میکرد، بخاطر جنایت روز قبلش شناسایی کرده و با وجودیکه مسلح بوده دستگیر میکنند و میخواهند او را برای محاکمه انقلابی بمنزل آیه الله گلپایگانی ببرند، اما در بین راه آنقدر ضربه چاقو او میزنند که تا آنجا نرسیده بسزای اعمال پلیدش میرسد.

روز شنبه ۹/۲۵ نیز در خیابان آذر پاسبانی را بهمین سرنوشت محکوم میکنند و متعاقب آن مأمورین به میدان کهنه (انتهای آذر) حمله میکنند و مغازه ها را تخریب مینمایند و به در و دیوار تیراندازی میکنند.

روز شنبه ۹/۲۵ سربازی با اسلحه از گروهان ژاندارمری (مقابل میدان تره بار) فرار میکند و دو نفر از نظامیانی را که مانع فرار شده بودند بخاک و خون میکشد.

اهواز (۱۶ کشته - ۴۰ مجروح)

شانزدهم آذر ماه - در راهپیمایی ۳۰ تا ۴۰ هزار نفری که با شرکت استادان و دانشجویان دانشگاه، بطرف بهشت زهرا انجام میپذیرد، پلیس با ایجاد مانع و تیراندازی و شلیک گاز اشک آور، دخالت نموده و مردم بناچار با سنگ و لاستیک و... بمقابله برمیخیزد، در این حادثه یکی از افسران از ناحیه سر جراحاتی بر میدارد و همین مسیله باعث میشود که مأمورین از خدا بیخبر و مزدور مردم را به رگبار مسلسل ببندند، حاصل این جنایت کثیف و بیشرمانه شانزده شهید و چهل مجروح میباشد که اسامی عده ای از شهداء بقرار زیر است:

حسن برادران - ادهم - خانم و پسر و دختر آقای تجویدی که برای همدردی با مردم چراغهای اتومبیل خود را روشن نموده بود و افسری مستقیماً بماشین آنها تیراندازی می نماید.

هفدهم آذر ماه - ساعت پنج بعد از ظهر، ۲ نفر پلیس بقتل رسیده و اسلحه شان مصادره میگردد. در ضمن پلیس دیگری بنام چهار لنگ که در کشتار عید غدیر این شهر دست داشته است به کیفر اعمالش میرسد.

روزهای تاسوعا و عاشورا، همانند شهرهای دیگری، راهپیمایی بزرگی با شرکت چهار صد هزار نفر در این شهر برگزار می شود.

روز تاسوعا حرکت از مدرسه بهبهایی در ساعت ۹ صبح آغاز میشود و مردم به ناحیه قدیمی «کمپلو» حرکت میکنند. روز عاشورا نیز مناطق فقیر نشین در مسیر جمعیت قرار میگیرد.

سه شنبه ۹/۲۸

مهندس تصاعدی (برادر سرهنگ تصاعدی فرماندار معدوم جهرم) که رییس بخش صنعت نفت مارون است، با ایجاد رعب و اعمال فشار، عده ای از افراد گروه تولید را مجبور بکار کرده است.

در پادگان اهواز، ستوان و وظیفه «قدرانیان» که تنها ۲۴ ساعت از مدت خدمت او باقی مانده بود، عده ای از افسیران را برای خداحافظی جمع میکند و هنگامیکه قصد داشته طبق طرح خود آنها را ترور کند، گلوله اش گیر میکند و موفق نمیشود. او را در همان پادگان تیر باران میکنند.

شب سه شنبه تعدادی از کارگران تولید در فرمانداری اهواز تحت شکنجه بوده اند.

۵۰٪ کارکنان شرکت نفت روز چهارشنبه ۹/۲۹ آذر استعفا خواهند داد. در گچساران برای هر کارگر یک سریاز گمارده اند.

آبادان (۸ کشته)

روز عاشورا، راهپیمایی بزرگی با شرکت طبقات مختلف مردم تشکیل میشود، هنگام عبور جمعیت از مقابل نیروی دریایی، بخاطر شعارهای ضد سلطنتی که مردم میدادند، سربازان اقدام به تیراندازی میکنند و در نتیجه ۶ نفر کشته و تعداد زیادی زخمی میشوند.

شوشتر (۳۰ نفر کشته)

روز چهارشنبه ۹/۲۲ - بدعت آقای آل طیب، روحانی با نفوذ شهر، یکی از روحانیون قم برای ایراد سخنرانی در مسجد «حسین» این شهر دعوت شده بود. هنگامیکه ایشان در مسجد مشغول سخنرانی بودند، پلیس ابتدا چراغها را خاموش میکند و سپس به ۲ جوان موتور سوار که نگهبان درب مسجد بودند تیراندازی میکند و آنها را بقتل می رساند. مردم بدون اعتنا به تیراندازی به استماع سخنرانی ادامه میدهند و سپس با آرامش کامل مسجد را ترک میکنند. هنگام خروج مردم، پلیس برای دستگیری سخنران حمله و تیراندازی میکند. مردم به دور گوینده حلقه زده مانع اینکار میشوند اما با این عمل تعدادی جان خود را از دست میدهند و بدنبال آن در ادامه تظاهرات بیش از ۳۰ نفر کشته و تعداد بیشتری مجروح میشوند.

نام سه تن از شهدا از این قرار است:

پیشدادی - غلامیان - کهبازی

شهربانی اجساد شهدا و مجروحین را نمیگذارد بدست مردم بیفتند.

یکی از سربازان که تحت تاثیر این جریانات قرار گرفته بود، اسلحه خود را بمیان مردم پرتاب میکند تا خودش فرار کند، اما پاسبانی که از پشت مراقب حرکات او شده بود، او را بشهادت می رساند.

در همان شب مغازه آقای بیدار بخت با طرح سروان جعفری آتش زده میشود.

اهواز

در ساعت ۶/۵ بعد از ظهر روز یکشنبه ۹/۲۶ بمب فوق العاده نیرومندی به ستاد واحدهای ارتشی در فلکه شهر پرتاب میشود و در نتیجه انفجار ۸ نفر کشته و ۱۱ نفر زخمی میشوند.

همدان

روز شنبه ۹/۱۸ - محصل جوانی هنگام کار با مواد منفجره، در خانه اش از ناحیه شکم بشدت مصدوم میگردد و در اندک زمانی بعد از رسیدن به بیمارستان بشهادت میرسد.

شخص دیگری که بدون هیچگونه آشنایی قبلی برای کمک به او آمده بود، دستگیر و به تهران اعزام میگردد.
سبزوار (۷ کشته - ۳۰ مجروح)

روز چهارشنبه ۹/۲۲ - چماق بدستان شاهنشاهی در این شهر به مردم حمله میکنند و مردم متقابلاً بدفاع میپردازند در این درگیری، پلیس بروی مردم آتش میگذارد و در نتیجه ۵ نفر کشته و بیش از ۳۰ نفر مجروح میشوند. گفته میشود از افراد پلیس ۲ نفر بدست مردم کشته شده اند.

اسامی برخی از شهدای حادثه از این قرار است:

ابراهیمی - صاحب کتاب فروشی

طلوع - دلال برنج

فشتنقی - روستایی اهل قریه فشتنق

قسکانی - محصل

ایمانی -؟

چهارشنبه شب، پس از کشتار پلیس عبور و مرور را در خیابان مرکزی شهر ممنوع اعلام میکند و در غیاب مردم، کلیه اثاثیه مسجد جامع را غارت و تخریب مینماید.

روز پنجشنبه جمعیت انبوهی، جنازه شهدای روز قبل را تا قبرستان مصلی تشییع می نمایند.

خوانسار (۱۶ آذر - ۲۸ مجروح - ۴ کشته)

در تظاهراتی که در ساعت نه بعد از ظهر توسط مردم شهر برپا شد بدستور ستوان رستگاری بسوی مردم آتش گشوده میشود که در نتیجه سیزده نفر زخمی میشوند، حال یکی از مجروحین به نام سید صالحی وخیم است.

همچنین در روزهای نوزدهم، بیستم و بیست و یک آذر ماه تظاهراتی با شرکت مردم این شهر برپا میگردد که طی آن پشتیبانی خود را از امام خمینی اعلام می دارند.

پنجشنبه بیستو سوم آذر - ساعت ده صبح دو دستگاه ربو ارتشی پر از سربازان مسلح، با گفتن جاوید شاه بخیابانهای شهر آمده و مردم بی پناه را زیر رگبار گلوله میگیرند، در این حادثه ۲ الی ۴ نفر شهید و پانزده نفر زخمی میشوند.

اسامی سه نفر از شهدا که بدست ما رسیده بقرار زیر میباشد:

جواد عساری ۲۳ ساله

سعید غضنفری ۱۷ ساله

... سقایی ۱۸ ساله

فردای آنروز (جمعه) فرماندار نظامی شهر در حالیکه بر جنازه ها میخندید گفت «چهارنفر را کشته و شش نفر دیگر را هم خواهم گشت.»

منزل یکی از علمای خوانسار بنام آقای حاج حسین عظیمی، گلوله باران شده است.

متن تلگراف «جماعت اسلامی پاکستان» به «آقای دکتر ابراهیم یزدی»

در پشتیبانی از جنبش اسلامی ایران

آقای دکتر ابراهیم یزدی، جماعت اسلامی پاکستان، پشتیبانی خود را از جنبش اسلامی آزادی مردم مسلمان ایران اعلام می دارد. ما با تمام وجودمان همراه با حرکت اسلامی ایران می باشیم. ما جنایات های بزرگ شاه و اعمال وحشیانه عمالش

را محکوم می‌کنیم. ما و مردم پاکستان با شما هستیم. باشد تا با یاری خدای متعال حکومت اسلامی در ایران بنیان‌گذاری گردد.

مولانا ابوالاعلی مودودی - مؤسس جماعت اسلامی

میانتمیل محمد - امیر جماعت اسلامی پاکستان

سید اسد گیلانی - امیر جماعت اسلامی لاهور

تبریز ۲۷ آذر (۷ کشته - ۴ مجروح)

امروز سراسر شهر تبریز بمناسبت هفتم شهدای اصفهان و به همگامی با سایر هموطنان تعطیل بود بطوریکه حتی تاکسی هم کار نمی‌کرد. بهمنی مناسبت بیاده روی عظیمی از طرف قاطبه مردم ترتیب داده شده بود. هنگامیکه صف تظاهر کنندگان با نیروهای نظامی مواجه می‌شوند، فرمانده آنها که درجه داری بوده است، مردم را با اصرار زیاد سوگند میدهد که متفرق شوند و مردم به مجرد شنیدن سوگندهای او باتکا اینکه بخدا و پیغمبر معتقد است، او را سردست بلند کرده و ابراز احساسات شدیدی مینمایند. بعد از مشاهده این موضع، سربازان تحت فرماندهی اش به مردم می‌پیوندند و خودروها را رها میکنند. بلافاصله مردم بروی تانک‌ها و زره پوشها و نفر برها سوار شده، بشدت ابراز احساسات میکنند. کمی بعد، بدستور فرماندهی تمام نیروهای انتظامی از مقابل مردم کنار رفته بجایگاه خود برمیگردند.

در حین این جریان‌ها مأموریتی که با لباس مبدل خود را در بین جمعیت جا زده بودند، مبادرت به پرتاب گاز اشک آور و تیراندازی میکنند که در نتیجه آن ۷ نفر کشته و ۴ نفر مجروح میشوند. ۳ نفر از این شهدا در همین مراسم ناگورستان شهر تشییع میشوند.

قاین (۲ کشته - ۷ مجروح)

طبق اخبار رسیده، چند روز قبل، هنگامیکه مردم پس از برگزاری مراسم سوگواری در مسجد مهدی، عازم منزل خود بودند، مأمورین سفاک رژیم بآنها حمله میکنند و ۲ نفر کشته و ۷ نفر مجروح بجای میگذارند.

مشهد

پنجشنبه ۹/۲۳ - امروز ۴۰ هزار نفر از طبقات مختلف مردم بخاطر بزرگداشت شهید «رضا حنایی» که بدست سرهنگی بقتل رسیده بود، از مدرسه نواب و مسجد بناها بطرف بهشت زهرا حرکت میکنند و از آنجا به فریمان میروند. جمعیت پس از توقف مختصر در فریمان و استماع سخنرانی آقای موسوی خراسانی بشهر باز میگردد.

دماوند

در چند روز گذشته راه پیماییهای بسیار وسیعی در این شهر انجام میشود، مردم هنگام عبور از مقابل شهربانی و ژاندارمری اعلامیه امام خمینی را در مورد فرار سربازان از سربازخانه‌ها قرائت میکردند.

تهران

بیمارستان هزار تختخوابی - اجتماع سه هزار نفر از پزشکان و کادرهای دانشکده‌های پزشکی و بیمارستانهای سراسری کشور در این بیمارستان، یکبار دیگر مشت محکمی به یاوه گویبهای حکومت سر نیزه بود.

ابتدا چند تن از پزشکان سخنرانی کردند و سپس دو نفر از نمایندگان بیمارستان مشهد، عین واقعه قتل عام سفاکانه پزشکان را برای احضار و خبرنگاران تشریح نمودند، در خاتمه قطعنامه‌ای بعنوان هم بستگی با خواسته‌های حرکت اسلامی ایران صادر شد و پس از آن یکی از خبرنگاران خارجی که در نجف آباد از مزدوران رژیم کتک خورده بود، پشت تریبون آمده ضمن بیان چگونگی حمله باو و چند نفر دیگر که برای کسب خبر به نجف آباد رفته بودند گفت «گر چه من آمریکایی هستم ولی این اجازه را بخود میدهم که بگویم مرگ بر امپریالیست، مرگ بر شاه»

متن تلگراف دکتر یزدی ۲ در پاسخ تلگراف جماعت اسلامی پاکستان

برادران مسلمان:

سلام عليكم و رحمه الله و برکاته، تلگراف بموقع شما دریافت شد. سپاسگذاری مینماییم. مبارزه قهرمانانه ملت مسلمان ایران، و حرکت انقلابی و اسلامی آنان تحت رهبری سیاسی و مذهبی رهبر عالیقدر ما «امام خمینی»، بموفقیت های شایانی در راه درهم شکستن رژیم طاغوتی شاه و پشتیبانان خارجی اش دست یافته است. پیروزی ما در حال حاضر از هر زمان دیگری نزدیکتر می باشد. من از خدای سبحان و تعالی می خواهم که مبارزه و همبستگی امت اسلام، خصوصا ملت مسلمان و وفادار پاکستان خوشبختی و فلاح برای همه مسلمانان سراسر جهان بهمراه آورد.

با تشکر بسیار و سلام

برادر دینی شما

ابراهیم یزدی